

اسناد تاریخی

در جنگ خطی شهرداری اصفهان که مرکز اسناد دانشگاه تهران میکروفیلمی از روی آن تهیه کرده است و به شماره ۲۴۲۵ در آن مرکز ضبط مییاشد رونوشت فتح نامه‌یی زیر عنوان «فتح نامه اصفهان» موجود است که متأسفانه تاریخ ندارد و قرائن و اشاراتی هم در آن دیده نمیشود که باستناد آن بتوان بتاریخ آن پی برد. همینقدر باستناد رسم الخط آن میتوان گفت مؤخر از قرون ششم و هفتم نیست و بهر حال چون انتشار آن بی فایده نبود برای آگاهی محققان و دانشمندان محترم به نشر آن مبادرت میشود و از محققان و خوانندگان محترم انتظار میرود چنانچه به تاریخ و شأن صدور آن آگاهی یافتند برای روشن شدن گوشه‌یی از تاریخ ایران، اطلاعات خود را در معرض استفاده خوانندگان مجله قرار دهند.

محمد شیروانی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فتح نامه اصفهان

چون بعون غایت ازلی و
یمن سعادت لم یزلی ابواب فتح
و نصرت بر چهره روزگار
همایون ما کشاد و اسباب ظفر
و پیروزی ایام میمون را آماده
است لاجرم روی بهر مهم کی
می نهیم و خود توفیق موا کب
عدد را راید و حادی میشود
و عزم هر قضیه کسی مصمم
میگردانیم جنود تأیید عسا کر
منصور را قاید و هادی میگردد
و ما یعلم جنود ربك الا هو سور
صورة مصلحتی بر صحیفه ضمیر
مرتسم نشده کسی هاتف غیب
اتمام آنرا نداء انجاح میدهد
و بیرنگ استخلاص مملکتی
بر لوح خاطر متنقش نگشته
کی ملهم صواب حصول آنرا

از :

محمد شیروانی

بقبول حسن تلقی مینماید و افواج دولت ادراک آن امنیت را بر وفق بغیة و واسبه استقبال میکنند و ذلك فضل الله يؤتیه من یشاء والله ذو الفضل العظیم و مصداق این مقال و برهان این حال آنکه چون در کنف حیاطت ربانی و کھف کلائیة یزدانی جل جلاله و عم نواله عزیمت توجه بر صوب عراق مقرر فرمودیم و بمبارکی و طالع سعیه بظاہر اصفهان رسیدیم و حومه آنجا مرکز رایات نصرت پیکر گشت دست در دامن محبت اصل که جل متین آن بهیچ تأویل قطع نمیتوان کرد زد و باذیال رأفت فطری که من المهد الی العهد آن عزیز برادر را مبدول و مبسوط داشته ایم تشبث نمود و بحکم ان الله لا یغیر ما بقوم حتی ینفیر و اما بانفسهم، در باطن خود تغییری کرد کی آثار آن در اندرون مبارک ما ظاهر شد و سلسله اخوت را بسر انکشت لطایف معذرت چنان تحریک داد کی آنرا بمسامع استرضا اصفا کرد. مرضی و مشکور و مسموع و مقبول فرمودیم و هر غبار و خسی کی در این مدت بر حواشی خاطر کیمیا خاصیت نشسته بود بکلی بر خاست و سوء ظن بحسن یقین مبدل گشت و طمأنینه در مقام ریت قرار گرفت چنانچه از طرفین هیچ کدورت نماند و موارد و مشارب بر آذری و مناہل و مشارع کهنتر مهتری از مجموع شواہب صافی شد و بصفاء اول باز رفت بنوعی کی امید و اائق و رجا صادق کی بعد الیوم اساس آن چون جهات است بایدار و ما نند سبع شداد استوار باشد.

ولم ارا بقی من وصال^۱ مراجع الی الود^۲ من بعد القلی والتقاطع

دلها استماع می افتد کی :

بینی و بینکم مالیس ینفصل

دع الوساة بما قالوا و ما فعلوا

بیا که نبوت صلحست و دوستی و عنایت

بشرط آنکه نکویم از آنچه رفت حکایت

۱ - نسخه بدل : و داد

۲ - نسخه بدل : الحب

والحمد لله على احسانه قدر جمع الحق الى مكانه

شکر این نعمت کی روی نمود و این اتفاق حسنه کی دست داد همگی
 همت و کلی نیت بر آن مقصور و مصروف فرموده‌ایم کی خاص و عام را در
 سایه معدلت و سایه مرحمت جای دهیم و جناح اشتیال بر احوال همگنان گستریم
 و عموم زبردستان را کی و دایع حضرت آفریدگار عز شأنه و عظم برهانه‌اند
 در حجر رأفت و عاطفت نگاه داریم چنانچه در ریاض آسایش و آرامش و ظلال
 امن و استقامت روزگار گذارند و اجر و ثواب و درجات آن دینا و دنیا و عاجلاً
 و آجلاً بحصول پیوند و روزگار دولت روز افزون و ایام همایون را مدخر
 ماند و درین هفته عنان عزیمت مواکب فرخنده بمراجعت صوب دارالملک
 معطوف خواهد بود این منشور نفع‌دهنده الله تعالی فی الاقطار در قلم آمد .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

فتح نامه اصفهان

چون بعون غیاثه ازلی تو من سعادت لم یزید ابواب فتح و نصرة
بر چهره روزگار باین مائتال و اسباب ظفر و پروزی امام معین را
آزاده است لاجرم روی بر مهم کای می نهیم و خود توینت مواکب کراکب
علاو اراید و حاجی می شود و عزم هر قضیه که مستم می گردانیم جنود تا یابد
عساکر منصور را یابد و حاجی می گردد و مایه کم جنود و تکالاهو
مهوره مصیبتی و صحیفه ضمیر مرقم شده که حاجت غیب
انام آرا اندازد انجناح می نهد و بیک استخلاص ملکوت
بر لوح خاطر مستقیم نکته کای ما هم صواب حصول آراست قبول حسن
تلقیه مینماید و اعواج دولت احوال آن امنیته را بر وفق بغیة در اسبه
استقبال می کند و ذلک فضل الله یوتیه من یشاء و اه
ذو الفضل العظیم و مصداق این مقال و برهان این حال آنکه
چون در کف حیاطه بر این و کف کالایه از ایسه جل جلاله و عزم نواله
غیر حکمت تو جبر ب صوب عراق مقرر فرمودیم و بمباریکه و طالع سعد
بظاهر اصفهان رسیدیم و حوبه انجام از ایات نصرة پیکر کت

دست در امن محبت اصلی که اجل مشین آن بهیچ تاویل
قطع نمی توان کرد و با ذیال رافه فطرت که از من المهدال العبد
آن عزیز بر اثر آمدن و مبسوط داشته ایم نسبت نمود و بحکم
ان الله لا یغیر ما یقوم حتی ینقر و اما بانفسهم در باطن خود تغییر کرد
که آثار آن در اندرون مبارک ما ظاهر شد و سلسله اخوت را
بر آنکت لطایف معذرت جان تحریک داد که از ابماح
استرضا اصفا که مرضی و مشکور و مقبول فرمودیم
و مرغبار حسی که درین مدت روحانی خاطر لیمیا خاصیت
نشته بود و نیکو بر خاست و سوزن محسن یقین مبدل گشت
و طمانینه در مقام بیت قرار گرفت چنانچه از طرفین هیچ کدورت
نماند و موارد و مشارب بر اثری و مناهل و مسارع کهن مشورت
از مجموع تجارب صافی شد و بصفاء اول با زلفت بنوعی سلا
امیدوارت و رجاء صدف ^{بیدالیوم} که اساس آن چون جهات است

بایدار و مانند سبب استوارانند

و داد ^{الحف} دل را بقی من وصال مراجع ایله الود من بعد القلی و التقاطع

دها استماع می اندک

دع الوساة بما قالوا وما فعلوا سینه وینکم ما لیس بفضل
یا لافیه صلحت ودرستی و غما سر شرط آنکه نگویم از این بجز آنکه

والحمد لله علی احسانه قد رجع الحق الی مکانه

شکر از نعمه کلاوی نمود و از اتفاق حسنه یاد است داد

بیکه محبت و کجانیست بران مقصود و مصروف فرموده ایم کلا

خاص و عام را در سایه مودت و مائمه رحمت جای دیم

و جاح استیبال بر احوال میکان کسبیم و عموم در قیاسنا

کلا و دایع حصن آفرینکار و عفتان و عظیم بر کانه اندر جبر آفت

و حافظت نگاه داریم چینه هر باین آسایش و آرامش و ظلال

امن و استقامت روزگار گذارند و اجر و ثواب و درجات آن

دنیا و دنیا و حاجلا و آجت لاکصول میزد و روزگار دولت

روز افزون و آیام جایمن در این غمنازد و هر غنچه عیان غنیمت

مواکب فرخنده مراجعت صوب دارالملک معطر و خواهر

این منظورند الله تعالی فی الاقطار هر قلم آمد